

گفت‌وگو با دزد حرفه‌ای لوازم داخل خودرو

مرخصی گرفتم تا سرقت کنم

مرخصی از زندان برای سرقت،
شگرد سارق جوانی بود که خیلی
زود دستش برای پلیس رو شد.
مردی جوان که به اتهام سرقت به
زندان افتاده بود با سند از زندان

هلیانصرتی

تیش

مرخصی گرفت و سرقت‌هایش را انجام داد و بعد از پایان
مدت مرخصی‌اش به زندان برگشت.

❖ چه شد تصمیم به سرقت گرفتی؟

دفعه اول یا دفعه دوم؟!

❖ دفعه اول چرا سرقت کردی؟

رفیق ناباب. اوضاع مالی که خودتان بهتر می‌دانید تعریفی
ندارد. مخصوصاً برای افرادی که نه کار و حرفه‌ای بلد هستند
و نه تحصیلاتی دارند. خلاصه بی‌پولی به جانم افتاده بود و در
بساط شبانه‌ای که با دوستان داشتم، پیشنهاد سرقت را
مطرح کردند. اولش ترسیدم، با خودم گفتم اگر لو بروم، اگر
گیر بیفتم اما آنقدر دوستان ناباب تعریف کردند که یک شبه
کلی پول به دست می‌آوردند، ماشین آنچنانی و سفرها و
خوشگذرانی. خلاصه آنقدر گفتند که تصمیم گرفتم با آنها
همراه شوم. نقشه‌مان سرقت لوازم داخل خودرو بود.

❖ برای این کار آموزش دیدی؟

بله. یکی از همان دوستان در جمع به من در چند ساعت
آموزش داد و حتی باهم تمرین هم کردیم. البته از من
حقوق گرفت و برای این چند ساعت آموزش قرار شد در
پنج سرقت اول هر چه را به دست آوردم، با او نصف کنم. من
هم قبول کردم و همراه شدیم.

❖ چه شد که دستگیر شدی؟

چند سرقت اول خوب بود اما در یکی از سرقت‌ها پلیس
هنگام سرقت ما را گرفت و به زندان افتادیم.

❖ و این که سری دوم چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

رد مال. من از اول هم پولی نداشتم چه برسد به این که با
پول نداشته بخوام رد مال بدهم.

❖ پول‌هایی که از سرقت‌ها بدست آوردی را چه کردی؟

اول این که هر چی سرقت کنی، یک دهم قیمتش را از



عکس تزئینی است

مدتی که از زندان آزاد بودم چند سرقت انجام دادم و بعد از
پایان مدت مرخصی‌ام به زندان برگشتم.

❖ فکر نمی‌کردی دستگیر شوی؟ توهنوز در زندان بودی و با
جرم جدید مدت زندانی بودن‌ت بی‌شک زیادتر می‌شد؟

حقیقتش فکر نمی‌کردم این بار شناسایی شوم.

❖ چرا چنین فکری می‌کردی؟

❖ برای این که در زندان بودم و پلیس حتی اگر رد کامل مرا
می‌زد، چون در زندان بودم فرضیه این که من سارق هستم
رنگ می‌باخت.

❖ اما شناسایی شدی؟

دقیقا. وقتی داشتم یکی از سرقت‌ها را انجام می‌دادم
دوربین تصویر مرا می‌گرفت. با این که صورتم پوشیده بود
اما از نظر جثه توسط ماموران شناسایی شدم. زمانی که برای
تحقیقات از زندان به اداره آگاهی منتقل شدم سعی کردم
حقیقت را کتمان کنم اما مدارک آنقدر زیاد بود که به ناچار
واقعیت را گفتم.

سارق می‌خرند. مثلا اگر لاستیکی دو میلیون تومان باشد،
از سارق ۲۰۰ هزار تومان می‌خرند. دوم این که در پنج سرقت
اول هم مجبور بودم نصف پولی را که به دست می‌آوردم، به
همدستم و بهروز که به من آموزش داده بودم، پرداخت
کنم. از همه مهم‌تر پول با داده‌آمده را با می‌برد و اصلا برکت
ندارد. هر چه پول از این راه به دست آوردم خیلی زود از دستم
رفتم و خرج تفریح شد.

❖ پس برای رد مال سرقت کردی؟

بله. شکات می‌گفتند در صورتی رضایت می‌دهند که من
بتوانم هزینه اموال سرقتی را به آنها برگردانم. آن زمان که
سابقه‌دار نبودم، کاری نداشتم چه برسد به این که سابقه
کیفری هم داشتم. البته باید آزاد می‌شدم که بتوانم
کاری پیدا کنم که آن هم به خاطر رضایت ندادن شکات
امکان‌پذیر نبود.

❖ نقشه‌ات در مورد پرداخت این رد مال را توضیح بده؟

از زندان درخواست مرخصی کردم و با سند آزاد شدم. در

پشیمانی از قتل اشتباهی رفیق

محکمه هفته

مطرح کردند. پدر او به قضات گفت: پسر و شایان دوست‌های صمیمی بودند.
آن روز همراه هم به کارواش رفته بودند اما نمی‌دانم چطور شد که پسر کشته
شد.

سپس شایان که از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شده بود در جایگاه
قرار گرفت و گفت: روز حادثه همراه دوستم به کارواش رفتیم. اما با صاحب آنجا
و چند مشتری درگیر شدیم. صاحب آنجا ضربه‌ای به سرم زد که شکافی برداشت
و خون جلوی چشمم را گرفت و اطراف را به خوبی نمی‌دیدم. چند نفری روی سرم
ریخته و مرا تک می‌زدند که می‌خواستم از دست آنها خلاص شوم. همان موقع
یک نفر از پشت پیراهنم را گرفت که نفهمیدم دوستم عرفان است و با چاقو یک
ضربه به او زدم. او قصد میانجیگری داشت که به اشتباه او را کشتم. باور کنید من
قصدی برای قتل نداشتم و شرمند خانواده دوستم هستم.

در پایان وکیل متهم به دفاع از او پرداخت و گفت: موکلم بر اساس گزارش
پزشکی قانونی در زمان قتل زیر ۱۸ سال بوده و از رشد عقلی کافی برخوردار نبوده
است. به همین دلیل با توجه به ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی درخواست دارم
او را از قصاص معاف کنید.

پس از رسیدگی به این پرونده قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

پسر نوجوان که به اشتباه دوستش را در جریان یک درگیری کشته بود، در حالی
پای میز محاکمه قرار گرفت که پزشکی قانونی اعلام کرده زمان قتل از رشد عقلی
برخوردار نبوده است.

پاییز سال گذشته درگیری مرگباری در یک کارواش در شهریار به پلیس گزارش
شد. تیم پلیسی با حضور در محل متوجه شد ساعتی قبل در این کارواش
درگیری رخ داده و پسر ۱۶ ساله به نام عرفان از ناحیه پا زخمی شده و
در بیمارستان جان باخته است.

بررسی‌ها نشان داد درگیری میان صاحب کارواش و چند مشتری
رخ داده است. در این میان ضارب به نام شایان شناسایی
شد و در تحقیقات گفت: به اشتباه باعث مرگ دوستش
شده است.

در ادامه پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرد متهم در زمان
قتل زیر ۱۸ سال داشته و از رشد عقلی برخوردار نبوده
است. با تکمیل تحقیقات در دادسرا، پرونده به شعبه
هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در ابتدای این جلسه پدر و مادر عرفان درخواست قصاص را

